

سام‌نامهٔ کوچک، منظومه‌ای پیشینه‌دار از پهلوانی‌های سام نریمان

رضا غفوری*

چکیده

سام پدر زال و نیای رستم یکی از معروف‌ترین پهلوانان متون حماسی ایران است. به‌علت استقلال شخصیت سام از سیمای اساطیری گرشاسپ و نیز این‌که سام به تدریج نیای رستم تلقی شده است، از گذشته‌های دور، سام یکی از محبوب‌ترین پهلوانان ادب پهلوانی ایران به شمار می‌رفت آن‌چنان‌که داستان‌های متعددی دربارهٔ پهلوانی‌های او به دست ما رسیده است. سام‌نامه (بزرگ) یکی از معروف‌ترین منظومه‌های پهلوانی در گزارش‌کرده‌های سام نریمان و دلاوری‌های او در راه رسیدن به محبوب خود پری‌دخت است. گذشته از این منظومه، روایت منظوم دیگری نیز از پهلوانی‌های سام در سرزمین‌های مغرب و مازندران به دست ما رسیده که کمتر شناخته شده است. این منظومه، از گوینده‌ای ناشناس، ظاهراً برخلاف سام‌نامه (بزرگ) متأثر از روایات شفاهی نیست بلکه، با توجه به قرائن متن، روایات آن، ریشه در داستان‌های قدیم دارد.

در این مقاله، نخست به معرفی این منظومه که از آن با نام سام‌نامهٔ کوچک یاد می‌کنیم می‌پردازیم؛ سپس حدود احتمالی زمان سرایش آن را تعیین و به برخی نکته‌های محتوایی آن اشاره می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: سام، سام‌نامهٔ کوچک، خاوران‌نامه، انتحال، حماسه، روایت‌های پهلوانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۶

* دانشیار دانشگاه حضرت نرجس (س) رفسنجان / reza_ghafouri1360@yahoo.com

۱. مقدمه

سام (اوستا: سامه، پهلوی: سام و سامان) یکی از بزرگ‌ترین و پرآوازه‌ترین پهلوانان ادب حماسی ایران است. برخی پژوهشگران واژه سام را به معنای «سیاه» (Bartholomae, 1904: 1571) و برخی دیگر به معنای «پرهیز» (خالقی مطلق، ۱۳۶۲: ۴۰۷) دانسته‌اند، اما به نظر سرکاراتی این واژه از ریشهٔ sam (در هندی باستان: Samyati)، به معنای «کوشا»، «کاری» و «چالشگر» گرفته شده است (سرکاراتی، ۱۳۷۹: ۶۸۹).^۱ آن‌چنان‌که محققان نوشته‌اند، بنا بر قاعدهٔ شکستگی/پراکندگی اسطوره‌ای، لقب و نام خانوادگی گرشاسپ (یعنی نریمان و سام) به تدریج از هم جدا شده و به صورت فرزند و فرزندزاده او، شخصیت مستقل یافته است (نک. سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۵۶؛ خالقی مطلق، ۱۳۶۲: ۴۰۷؛ رضی، ۱۳۸۱: ۱۶۲۲). این شکستگی اسطوره‌ای دست‌کم در دورهٔ اشکانیان روی داده، زیرا در یکی از متون مانوی به نام سفر الجبیره، از نریمان و سام نام برده می‌شود (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۵۷).

در اوستا و متون پهلوی، داستان‌های سام/گرشاسپ گاه به اختصار و گاه با تفصیل آمده است. بازتاب برخی از این داستان‌ها را در شاهنامه و متون پهلوانی نیز شاهدیم. با این حال، معروف‌ترین منظومه‌ای که به گزارش پهلوانی‌های سام می‌پردازد سام‌نامه سرودهٔ خواجه‌ی شاهنامه‌خوان کراتی است.^۲ در این منظومه که «فردی/شخصی‌ترین اثر ادب حماسی ایران به شمار می‌آید و کمترین نشانی از مسائل ملی و میهنی در آن وجود ندارد» (آیدنلو، ۱۳۹۲: ۵۷) انگیزهٔ اصلی سام، رسیدن به پری‌دخت دختر فغفور چین است که در این راه با حوادث بسیاری روبه‌رو می‌شود و پتیارگان بسیاری را از بین می‌برد (نک. صفا، ۱۳۵۴: ۳۳۵-۳۳۷؛ عابدی، ۱۳۸۸: ۵۷۰). داستان‌های سام به ادبیات عامیانه نیز راه یافته است و گذشته از

۱. در روایات عامیانه سام را «تیغ‌زن» هم معنا کرده‌اند (نک. طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۲۱۳) که پایهٔ علمی ندارد.

۲. برای آگاهی دربارهٔ گویندهٔ سام‌نامه، نک. غفوری، ۱۴۰۰: ۲۸۹-۲۹۴؛ خطیبی، ۱۳۹۵: ب: ۶۳-۶۵. در مقاله حاضر، از این پس، از سام‌نامهٔ خواجه‌ی شاهنامه‌خوان با نام سام‌نامهٔ بزرگ و از روایت منظوم ناشناختهٔ دیگری از پهلوانی سام، با نام سام‌نامهٔ کوچک یاد می‌کنیم.

روایات متعدّد سام‌نامه بزرگ که بخش مفصّلی از طومارهای نقّالی را در بر می‌گیرد، داستان‌های دیگری نیز در طومارها و یا روایات شفاهی آمده است که بررسی آن خود پژوهش دیگری می‌طلبد.

۲. معرفی سام‌نامه کوچک

در دست‌نویسی از شاهنامه به شماره ۵۱۷۴ مورّخ ۱۲۱۳ق مضبوط در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، منظومه‌ای درباره پهلوانی‌های سام نریمان آمده که با سام‌نامه بزرگ تفاوت دارد. این منظومه که دارای ۱۶۷۷ بیت است از پیوستگی دو روایت به وجود آمده: یکی نبرد سام با شدّاد در مغرب و دوم نبرد سام با دیوان مازندران. این منظومه در دست‌نویس یادشده از برگ ۱۵۳پ آغاز و به برگ ۱۷۰ر ختم می‌شود.^۳ در این دست‌نویس، سام‌نامه کوچک پس از رزم‌نامه بلند سپند آمده و با ابیات زیر آغاز می‌شود:

بگویم کنون حال سام دلیر که چون بود احوال آن نرّه شیر
ز موبد شنیدم من این داستان که برخواند از گفته راسستان
(سام‌نامه کوچک، دانشگاه: ۱۵۴ر)

چکیده سام‌نامه کوچک چنین است: روزی شماری از سواران مغرب برای دادخواهی به نزد منوچهر آمدند و از باج‌خواهی شدّاد و دامادش عنق^۴ شکایت کردند و گفتند اگر شاه ایران تدبیری برای آن‌ها نیندیشد، در آینده شدّادیان به ایران حمله‌ور می‌شوند و کسی را زنده باقی نمی‌گذارند. منوچهر از این سخن آشفته شد و سام را برای سرکوب شدّاد به مغرب فرستاد. شدّاد با شنیدن خبر آمدن سام، نامه‌ای به دامادش عنق نوشت و از او درخواست کمک کرد.

۳. گذشته از دست‌نویس دانشگاه تهران، سام‌نامه کوچک در دست‌نویسی از شاهنامه در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ نیز

کتابت شده است. مقاله حاضر بر مبنای دست‌نویس دانشگاه تهران نوشته شده است.

۴. در متن منظومه به جای عنق، گاهی عناق آمده است. از آنجا که تلفظ دقیق برخی نام‌ها روشن نیست، در این جا از پیشنهاد تلفظی برای آن‌ها، که صرفاً بر اساس حدس خواهد بود، خودداری می‌کنیم.

در نبردی که میان دو سپاه درگرفت قلواد و قلووش، دو همراه سام، به دست عنق کشته شدند. سام با شنیدن خیر مرگ قلووش، به میدان رفت و شمار زیادی از عادیان را از میان برد. فردای آن روز سام و عنق رو در روی هم قرار گرفتند. عنق گرز خود را بر زمین انداخت و به سام گفت اگر توانست آن را از جا بلند کند، به راستی که هم نبرد اوست. سام گرز را از زمین بلند و به آسمان پرتاب کرد و آن را دوباره گرفت. اندکی بعد جنگ میان آن دو پهلوان درگرفت اما تا پایان روز کاری از پیش نبردند و شب هنگام هر دو به سراپرده خود بازگشتند. فردای آن روز، قتال فرزند شداد به نبرد سام رفت اما از پای درآمد. بار دیگر عنق به جنگ سام رفت. این بار سام پس از نیایش خداوند، عنق را از زمین برگرفت و بر زمین کوفت. با کشته شدن عنق، سام به سپاه شداد حمله ور شد و شداد را مجبور به فرار کرد. در میانه راه عوج از راه رسید و شداد با دیدن او، به میدان جنگ بازگشت. عوج به میدان رفت و پس از کشتن شماری از زابلیان، سام را به جنگ فراخواند. در جنگ اول هر دو پهلوان ناکام ماندند و به سراپرده خود بازگشتند. شب هنگام گرشاسپ به خواب سام آمد و گفت که مقدر نیست عوج به دست او کشته شود، اما در نهایت گریزان خواهد شد و در آینده به دست موسی (ع) کشته خواهد شد.

فردای آن روز، سام به نبرد عوج رفت و جنگی طولانی میان آنان درگرفت و هیچ یک بر دیگری چیره نشد. چون شب فرا رسید، عوج اسباب و بنه خود را رها کرد و گریزان شد. شداد با شنیدن خبر گریختن عوج هراسان شد، اما باز دو سپاه با هم درگیر شدند. شداد بار دیگر گریزان شد ولی این بار سام امانش نداد و او را با گرز از پای درآورد. پس از این پیروزی، سام به سوی قصر شداد رفت و آن جا را ویران کرد و دختر شداد و شماری دیگر از دختران را با خود به ایران آورد.

اندکی بعد منوچهر به سام گفت که همه شاهان باج گزار او هستند، به جز پاهان، شاه مازندران، که به پشتوانه دیو سفید سرکشی می کند. سام با سپاه زابل عازم مازندران شد و به محض ورود به آن جا دست به کشتار و ویرانگری زد. وقتی خبر آمدن سام را به شاه مازندران رساندند، وی با بزرگان خود به مشورت پرداخت؛ به پیشنهاد یکی از سران، پیکری

به‌سوی سام فرستادند و مقرر کردند که اگر سام اژدهای بزرگی را که در مازندران است از میان بردارد، از آن پس شاه مازندران خراج‌گزار شاه ایران می‌شود. سام این پیشنهاد را پذیرفت و به نبرد اژدها رفت و آن را از پای درآورد.

پاهان که گمان می‌کرد سام به‌دست اژدها کشته می‌شود، ناگزیر نامه‌ای به دیو سفید نوشت و از او یاری خواست. دیو سفید به‌ناچار به امداد پاهان آمد و سه بار با سام نبرد کرد، اما کاری از پیش نبرد و در نهایت گریزان شد. شاه مازندران از رفتن دیو سفید باخبر شد اما چاره‌ای جز ادامهٔ جنگ نداشت. در ادامهٔ نبرد، پاهان نیز از میدان به در رفت و دیگر کسی از او نشانی نیافت. سام پس از این پیروزی، پهلوانی به نام علقون را بر تخت مازندران نشاند و خود پیروزمندانه به‌سوی منوچهر بازگشت.

۳. سراینده و دورهٔ سرایش سام‌نامهٔ کوچک

در متن سام‌نامهٔ کوچک اشاره‌ای به سرایندهٔ آن نشده و نکته‌ای نیز که راهبر به آن باشد در متن دیده نمی‌شود، اما دربارهٔ دورهٔ سرایش آن، با توجه به دلایل زیر، این منظومه به احتمال ضعیف در نیمهٔ دوم قرن نهم و به احتمال قوی بعد از قرن دهم و مقارن با حکومت صفویان سروده شده است:

(الف) در سام‌نامهٔ دوم، ساقی‌نامهٔ زیر آمده است:

بده ساقی نوش لب جام جم که از یاد دوران بشد نام جم
فلک تُندخوی است با هر کسی تو با او مکن تندخویی بسی
پران آب رنگین به نزدیک من که نفرین کند بر کسی پیره‌زن
(سام‌نامهٔ کوچک، دانشگاه: گ ۱۶۴پ)

بنا بر شماری پژوهش‌ها، اگرچه ساقی‌نامه‌سرایی از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی شروع شد و نظامی گنجوی آن را گسترش داد، اما در عصر صفویّه بود که این نوع ادبی به اوج خود رسید، چنان‌که می‌توان آن را یکی از ویژگی‌های شعر دورهٔ صفویّه به شمار آورد (نک. شجاع کیهانی، ۱۳۸۸: ۵۶۲؛ رضایی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). در شماری منظومه‌های

پهلوانی دوره صفوی از جمله بانوگشسپ‌نامه (۱۳۸۲: ۱۲۵)، شهریارنامه (مختاری، ۱۳۹۷: ۵۱۷) و زرین‌قبانامه (۱۳۹۳: ۳۴۴) نیز ساقی‌نامه آمده است که این نکته خود گواه آن است که سراینندگان متون پهلوانی این دوره نیز، مانند دیگر شاعران دوره خود، به ساقی‌نامه‌سرایی گرایش داشته‌اند.

ب) واژه «غرین» که احتمالاً به معنای «غرّان» است (نک. آیدنلو، ۱۳۹۲: ۶۰)، اگرچه در برخی دست‌نویس‌های شاهنامه که در قرن‌های هشتم و نهم کتابت شده‌اند هم دیده می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۶: ۳/۳۱۲، پاورقی ۸)، اما در متون منظوم پهلوانی سده دهم (نک. تهمت‌نامه، ۱۳۹۸: ۲۰۱-۲۰۲) به بعد متداول‌تر است:

در آمد به قلو ش چو شیر غرین گرفتش کمرگاه و زد بر زمین
(سام‌نامه کوچک، دانشگاه: ۱۵۷)

ج) ضمیر شخصی «او» به جای صفت پیشین اشاره «آن/این»، در متون منظوم و منشور فارسی از قرن دهم تا سیزدهم هجری فراوان دیده می‌شود (آیدنلو، ۱۳۹۶: ۲۹۹-۳۰۱)، ولی در موارد اندکی در متون کهن‌تر نیز به کار رفته است (نک. خطیبی، ۱۳۹۵-الف: ۱۶۷؛ مرزبان فارسی، ۱۳۹۹: چهل‌ودو):

همی سام حیران او دیو بود که می‌کرد جنگی به مانند دود
(سام‌نامه کوچک، دانشگاه: ۱۶۲)

د) دو عبارت عامیانه «دشمن را کرباس‌وار از هم دریدن» و «دشمن را مانند خیار به دو نیم کردن» از اصطلاحات متداول و پرکاربرد صحنه‌های رزم در متون نقالی و داستان‌های عامیانه قرن دهم به بعد است (نک. هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۱۱۸، ۲۰۳؛ طومار شاهنامه فردوسی، ۱۳۸۱: ۲/۱۱۳۸) که در دوره‌های پیش از آن به ندرت دیده می‌شود (نک. شبرنگ‌نامه، ۱۳۸۶: ۱۷۵؛ ابن‌حسام خوسفی، ۱۳۸۲: ۹۰) اما در متون پهلوانی قرن دهم به بعد بیشتر به کار رفته است (نک. تهمت‌نامه، ۱۳۹۸: ۱۸۱؛ رزم‌نامه گرشاسپ، آستان قدس: ۳۴۰پ). این دو عبارت در ابیات زیر از سام‌نامه کوچک نیز دیده می‌شود:

چنان کوفت بر اسپرش تیغ کار که اسپر بیرید همچون خیار
(سام‌نامه کوچک، دانشگاه: ۱۶۷)

چه کرباس درّیسد او را ز هم دل دیو اسفید شد پر ز غم
(همان: ۱۶۸)

همه اسامی شماری از پهلوانان سام‌نامه کوچک از جمله قلواد، قلووش، قلووند، قلیچنگ، قارش و همچنین نام شماری از ضدّ‌قهرمانان مانند مطروق، مطرق، خیتال، قلتون، قناتیل و قطیر، در متون پهلوانی کهن دیده نمی‌شود بلکه نظایر این نام‌ها را می‌توان در سام‌نامه بزرگ و یا متون داستانی عامیانه دوره صفویه به بعد مشاهده کرد.

و آن چنان‌که در دنباله گفتار خواهد آمد، سراینده سام‌نامه کوچک ابیاتی از خاوران‌نامه ابن‌حسام را در منظومه خود جای داده است. از آن‌جا که سرایش خاوران‌نامه به تصریح گوینده آن در سال ۸۳۰ به پایان رسیده (نک. صفا، ۱۳۶۴: ۳۱۷/۴؛ احمدی بیرجندی و سالک، ۱۳۶۶: چهل‌وشش)، به یقین می‌توان گفت که دوره سرایش سام‌نامه کوچک پس از این تاریخ بوده است.

۴. چند نکته درباره سام‌نامه کوچک

۱. داستان نبرد سام با شداد در دو منظومه سام‌نامه بزرگ و کوچک آمده اما روایت دو منظومه چند اختلاف چشمگیر دارد:

الف) اگرچه در سام‌نامه بزرگ، داستان نبرد سام با شدادیان دارای حوادث متعددی است و حدود یک‌سوم از مجموعه روایات این منظومه را شامل می‌شود، اما این حوادث هسته اصلی داستان را در بر نمی‌گیرد و با حذف این بخش، لطمه‌ای به سیر منطقی داستان وارد نمی‌شود؛ حال آن‌که نبرد سام با شداد هسته و تنه اصلی سام‌نامه کوچک را تشکیل می‌دهد و کل روایت نخست آن بر محور این جنگ است.

ب) در سام‌نامه کوچک به‌علت دادخواهی اهل مغرب از شدادیان، سام به پیشنهاد منوچهر به نبرد آنان می‌رود تا از حمله احتمالی آنان به ایران جلوگیری کند؛ بنابراین انگیزه سام از این نبرد، رهایی مردم مغرب از بیدادگری شدادیان و نیز حفظ مرزهای ایران از تجاوز بیگانگان است: انگیزه والایی که در اغلب متون پهلوانی ایران دیده می‌شود؛ ولی در سام‌نامه بزرگ، انگیزه سام از این نبرد نه اهداف ملی و حفظ مردم ایران از هجوم بیگانگان، بلکه

رهانیدن معشوق خود، پری دخت، از چنگ ابرها دیو است و در واقع سام برای رسیدن به این مقصود، ناگزیر شده از سرزمین شدادیان عبور و با آنان نبرد کند.

ج) تعدد قهرمانان و ضدقهرمانان و به تبع آن، تنوع روایات در سام‌نامه کوچک بسیار کمتر از سام‌نامه بزرگ است. در منظومه اخیر هنگام نبرد سام با شداد و سپاه عادیان، شاهد حضور چشمگیر دیوان و جادوان در سپاه دشمن و پریان در سپاه سام هستیم اما در سام‌نامه کوچک از هیچ کدام از این‌ها نشانی نیست.

د) اسامی قهرمانان و ضدقهرمانان و سرنوشت آنان در دو روایت سام‌نامه متفاوت است. مثلاً در سام‌نامه بزرگ، فرزند شداد، شدید نام دارد ولی در سام‌نامه کوچک قتال. در سام‌نامه کوچک از پهلوانانی مانند ستیزه و هیتال در میدان جنگ یاد می‌شود، حال آن‌که در سام‌نامه بزرگ نشانی از آنان نیست. تنها وجه مشترک دو منظومه حضور دو پهلوان معروف قلواد و قلووش است، با این تفاوت که در سام‌نامه بزرگ این دو پهلوان فرجام نیکی دارند، اما در سام‌نامه کوچک هر دو به دست عنق کشته می‌شوند. بر پایه سام‌نامه کوچک، «خاتوره» نام دژی است که شداد در آن جای دارد ولی در سام‌نامه بزرگ، خاتوره نام مادر عوج است که به دست سام کشته می‌شود. در سام‌نامه بزرگ عوج بن عنق نام یکی از ضدقهرمانان است که در نهایت از پیش سام گریزان می‌شود اما در سام‌نامه کوچک عنق نام ضدقهرمانی است که به دست سام از پای در می‌آید و عوج نام فرزند اوست که از سام گریزان می‌شود. فرجام شداد هم در سام‌نامه بزرگ چنین است که پس از گرفتاری به دست سام، به دار آویخته می‌شود اما ابرها دیو از راه می‌رسد و او را با خود می‌برد، اما در سام‌نامه کوچک شداد با گرز سام از پای در می‌آید و دیگر فرصتی برای فرار نمی‌یابد.

۲. سام‌نامه کوچک دارای دو روایت مجزا است: یکی رفتن سام به مغرب و شکست دادن شداد و دوم روایت رفتن او به مازندران و گریزاندن دیو سفید و شاه مازندران. ظاهراً روایت اخیر به دست داستان‌پردازان و نقالان و با توجه به اشارات شاهنامه به رفتن سام به مازندران و نبردهای او (نک. فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۲۳/۱-۲۲۵، ۲۳۲-۲۳۳) ساخته شده است، اما روایت اول وضعیت متفاوتی دارد. در آغاز سام‌نامه کوچک روایت شده که گروهی از

دادخواهان به نزد منوچهر می‌آیند و از جور و جفای شَدَّاد شکایت می‌کنند و به منوچهر می‌گویند:

حصاری است در مغرب ای شهریار که خاطوره خوانند در رزمگاه^۵
ز شَدَّاد باشد چنان دز، بدان نشسته در آن جای آن هر دوان
یکی دختری دارد آن تیره‌کار نرستی به نام آن مه گل‌عذار
نباشد مثلش به ایران زمین به بالا قیامت به رخ حور عین
بداده است دختر به پهلوان به آیین و ترتیب و با طمطراق
(سام‌نامه کوچک، دانشگاه: ۱۵۴)

در پایان این روایت و پس از پیروزی سام بر شَدَّاد، ایرانیان غنایم بسیاری به دست می‌آورند. پس از این رویداد، سام به سوی قصر شَدَّاد روانه می‌شود:

ز کین دل آن‌گه یل ارجمند همه قصر شَدَّاد از بُن بکند
نرستی کجا دخت شَدَّاد بود به افسون و نیرنگ چون عاد بود
چهل دختر از قصر شَدَّاد دون بیاورد سام نریمان برون
همه با نرستی به محمل نشاند پس آن‌گه سوی مرز ایران براند
(همان: ۱۶۴پ)

از نظر نگارنده، روایت نخست سام‌نامه کوچک روایتی اصیل و پیشینه‌دار است و در واقع تفصیل واقعه‌ای است که چکیده آن در بهمن‌نامه از زبان سام آمده است. بر پایه این منظومه، هنگامی که بهمن برای ویرانی دخمه پهلوانان می‌رود، در آن جا با پیکره سام روبه‌رو می‌شود که بر روی لوحی برای او نوشته بود:

به مغرب گشادم حصاری تمام که خاطوره خوانند آن را به نام
بکشتم چو فرزند شَدَّاد را نییره بیودی مگر عاد را
چو آمد عنانش^۶ به کین خواستن همی رزم را خواست آراستن

۵. کذا؛ بدون قافیه.

۶. نسخه بدل: عناقش.

بدانستم آن هیبت بساد اوی که فرزند عاد است داماد اوی...
 زدم نیزه‌ای بر کمرگاه اوی تهی شد از او افسر و گاه اوی...
 نرمی کجا دخت شداد بود به افسون و نیرنگ چون عاد بود
 بی‌اوردمش داشتم در کنار چنین بوده بودم در آن روزگار
 (ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۴۲۹-۴۳۰)

شایان ذکر است که به این داستان‌ها در سام‌نامه بزرگ نیز اشاره شده است. بر بنیاد روایت این منظومه، پس از ربوده شدن قلواد به دست سمندان زنگی، سام متحسر می‌شود و ناله سر می‌دهد. اندکی بعد، سام خواب‌نما می‌شود و فریدون به خواب او می‌آید و حوادث آینده را برای او شرح می‌دهد. در گزارش فریدون حوادثی ذکر شده که تفصیل آن در سام‌نامه بزرگ نیامده، اما گزارش مفصل آن در سام‌نامه کوچک هست:

حصاری بگیری ز مغرب زمین که فانوره (ظ: خاتوره) خواند ورا پیش‌بین
 اباد دخت شداد بیدادگر که طوطی بود نام آن سیمبر
 به مغرب زمین در کنی کارها که سازی فراموش پیکارها
 به مازندران نیز جویی نبرد به نیزه به شاه اندر آری توگرد
 که مادرش باشد ز ضحاک شاه همی جوید از شاه تخت و کلاه
 بر آری پی کین چو گرزگران کنی پست دیوان مازندران
 (سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۲۳)

چنان‌که ملاحظه می‌شود این ابیات به فتح دژ خاتوره/فانوره با همراهی طوطی دختر شداد اشاره دارد، حال آن‌که در سام‌نامه کوچک، نام این دختر نرستی است و از همراهی او با سام در تصرف دژ خاتوره نیز نشانی نیست. به نظر می‌رسد اشاره سام‌نامه بزرگ به تسخیر دژ شداد به دست سام به همراهی دختر شداد، متأثر از روایات عامیانه است، زیرا در طومارهای نقالی شاهد همراهی طوطی با سام نریمان در غلبه بر شداد هستیم (نک. طومار نقالی سام‌نامه، ۱۳۸۰: ۱۷۰؛ طومار شاه‌نامه فردوسی، ۱۳۸۱: ۲۳۵-۲۳۶).

در این جا، می‌توان پرسید که چرا در سام‌نامه بزرگ از این دو روایت (نبرد سام با شداد و

دیوان مازندران) به اختصار یاد شده و در ادامه منظومه تفصیل آن نیامده است؟ در پاسخ می‌توان حدس زد که در دوره سرایش سام‌نامه بزرگ، دست کم دو روایت معروف از پهلوانی‌های سام وجود داشت: یکی همان روایت سام‌نامه کوچک که اصیل و پیشینه‌دار بود؛ و دیگر روایت سام‌نامه بزرگ که برخلاف سام‌نامه کوچک، اغلب داستان‌های آن ساختگی و محصول ذهن قصه‌گویان و نقالان بود. ظاهراً خواجه‌ی شاهنامه‌خوان کراتی، هنگامی که به منظوم ساختن داستان‌های سام‌نامه بزرگ مشغول بوده، به حوادث سام‌نامه کوچک نیز نظر داشته‌است، اما به‌علت ناهم‌خوانی دو روایت سام‌نامه، نتوانسته آن‌ها را با هم تلفیق کند؛ بنابراین تنها به اشاره مختصری اکتفا کرده و از آن گذشته است.

۳. آن‌چنان‌که پژوهشگران نوشته‌اند، سام‌نامه بزرگ نوعی انتقال و سرقت از منظومه‌های و همایون خواجه‌ی کرمانی است. بر پایه منابع موجود، نخستین بار در عرفات العاشقین (۱۰۲۲-۱۰۲۴ق) در سرگذشت خواجه‌ی کرمانی چنین آمده است: «از جمله اشعارش همای و همایون است که به سام‌نامه انحراف یافته و مشهر است» (اوحدی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲/۱۳۲۴). به نظر می‌رسد نویسنده این کتاب متوجه این سرقت و انتقال بوده است. در غرب، هرمان اته، بدون آن‌که به گوینده سام‌نامه اشاره کند، درباره آن نوشته است:

فقط یک نوع جعل و تغییر صورت از منظومه‌های و همایون خواجه‌ی کرمانی است و صرف نظر از بعضی نام‌های اشخاص، تقریباً با آن مطابقت کامل دارد (اته، ۱۳۵۶ [= ۲۵۳۶]: ۵۸).

پس از او، یان ریپکا نیز سام‌نامه را سرقت ادبی بی‌شرمانه‌ای از همای و همایون خواند و آن را متعلق به دوره تیموریان دانست (نک. ریپکا، ۱۳۸۵: ۲۳۶).

متأسفانه گوینده گمنام سام‌نامه کوچک نیز از سرقت و انتقال مبرا نبوده است. در حدود بررسی‌های نگارنده، در این منظومه شماری از ابیات خاوران‌نامه ابن‌حسام آمده، بدون این‌که نامی از گوینده آن برده شود. این ابیات که در خاوران‌نامه در داستان رویارویی حضرت علی^(ع) با صلصال آمده است، عیناً یا با اندکی تغییر در دو بخش از سام‌نامه آمده است. در این‌جا برای رعایت ایجاز، به ذکر چند نمونه از این انتقال‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) بر پایه خاوران نامه، صلصال در نخستین دیدار با امام علی^(ع)، گرز خود را بر زمین می افکند و از حضرت می خواهد که گرز را بلند کند:

اگر زان که برداری آن را ز جای	به نیروی بازوی زورآزمای
به مردی بدانم که مرد منی	به جنگ اندرون همببرد منی
درآمد علی چون دمنده نهنگ	به گرز گران سنگ بگشاد چنگ
عمود گران را سبک درر بود	به بالای سر برد دست و عمود
به گرد سر اندر به پیش سران	به چرخ اندر آورد گرز گران

(ابن حسام، ۱۳۷۷: ۳۶۵)

این ابیات با اندکی تغییر، در سام نامه کوچک نیز آمده است؛ با این تفاوت که به جای صلصال، عنق گرز خود را بر زمین می افکند و از سام می خواهد که با برداشتن آن هنر خود را نشان بدهد:

که گران که برداری این را ز جای	به نیروی بازوی زورآزمای
به تحقیق دانم که مرد منی	به جنگ اندرون همببرد منی
درآمد در او سام همچون نهنگ	به گرز گران سنگ بگشاد چنگ
عمود گران سنگ را درر بود	به بالای سر برد دست و عمود
بگرداند بر گرد سر در زمان	به چرخ اندر آورد گرز گران

(سام نامه کوچک، دانشگاه: ۱۵۹ پ)

ب) در خاوران نامه آمده که پس از هنرنمایی امام علی^(ع) شب فرا می رسد و هر دو پهلوان به جایگاه خود باز می گردند، اما در سام نامه کوچک نبرد سام و عنق آغاز می گردد. در این جا سی و چهار بیت متوالی می آید که بیست و هفت بیت آن از خاوران نامه و هفت بیت دیگر سروده گوینده سام نامه کوچک است. به آوردن چند بیت آغازین این بخش بسنده می کنیم:

سوی ترکش آورد صلصال چنگ	بر آورد یک نیزه چوب خدنگ
بدان سان به شست اندر آورد تیر	که از چرخ چاچی برآمد نفیر
دلاور چو دست و گشادش بدید	سوی لشکر خویشتن بنگرید

(ابن حسام، ۱۳۷۷: ۳۶۹)

عنق سوی ترکش در آورد چنگ بر آورد یک چوبه تیر خدنگ
چه سام آن چنان دستبردش بدید سوی لشکر خویشتن بنگرید
(سام‌نامه کوچک، دانشگاه: ۱۵۹پ)

ج. بر پایه خاوران نامه، در دیدار نخست صلصال با امام علی^(ع)، صلصال به تعریف از آن حضرت می‌پردازد:

تو آنی که با من برون آمدی به خون دست شسته به خون آمدی
تو آنی که کردی به میدان سه بار سپاه مرا در جهان تار و مار
به پاسخ علی گفت آری منم من این کردم و آنچه باید کنم
چنین کرده از من نباشد شگفت از این برتر اندازه باید گرفت
(ابن‌حسام، ۱۳۷۷: ۳۶۵)

در سام‌نامه کوچک نیز پس از مرگ قتال پسر شداد، عنق به نبرد سام می‌رود و به ذکر رشادت‌های او می‌پردازد:

تو آنی که با من برون آمدی کمر بسته از بهر خون آمدی
تو آنی که کردی به مردی دو بار سپاه مرا در جهان تار و مار
چنین گفت سامش که آری منم من این کردم و هر چه خواهم کنم
چنین کرده از من نباشد شگفت از این برتر اندیشه باید گرفت
(سام‌نامه کوچک، دانشگاه: ۱۶۰)

د) با دمیدن آفتاب، سپاهیان اسلام و کفر برای نبرد آماده می‌شوند. توصیف این بخش در خاوران نامه چنین است:

برآمد ز درگاه صلصال جوش زمین پر شد از پیل پولادپوش
سواران بر اسپان نهادند زمین به یکبار در جنبش آمد زمین
ز نعل ستوران پولادسای زمین ناله برداشت در زیر پای
دم و ناله کز نای از نهیب بی‌رد از دل شیر مردان شکیب
طرازنده شد طره‌های علم دگرگونه پیکر دگرگون رقم
سیه گشت هامون ز نعل سوار بگسترده بر کوه و صحرا غبار
(ابن‌حسام، ۱۳۷۷: ۳۶۷)

همین وصف در سام‌نامه کوچک نیز دیده می‌شود:

برآمد ز درگاه شداد جوش زمین پر شد از پیل پولادپوش
 سواران بر اسبان نهادند زین به یک‌بار در جنبش آمد زمین
 ز نعل ستوران پولادسای زمین ناله برداشت در زیر پای
 دم ناله کژن‌ها از نهیب ببرد از دل شیرمردان شکیب
 طرازنده شد طره‌های علم دگرگونه پیکر دگرگون رقم
 در آن دشت و هامون ز نعل سوار بگسترده بر کوه و صحرا غبار...
 (سام‌نامه کوچک، دانشگاه: ۱۶۰پ)

ه) توصیف درفش امام علی^(ع) در خاوران‌نامه چنین است:

درفشی درفشان‌تر از آفتاب فروزنده از شقه‌اش زرّ نواب
 طرازش ز نصر من الله بود فراز سرش پیکر ماه بود
 ز هامون به چرخ اندر افراشتند سپه چشم یکسر بدو داشتند
 (ابن‌حسام، ۱۳۷۷: ۳۶۷)

همین وصف را با حذف بیت دوم و با اندکی تغییر در سام‌نامه کوچک در توصیف درفش سام شاهد هستیم:

درفشی درفشان‌تر از آفتاب فروزنده از سینه‌اش زرّ نواب
 ز هامون به چرخ اندر افراشتند سپه چشم یکسر بدو داشتند
 (سام‌نامه کوچک، دانشگاه: ۱۶۰پ)

۵. نتیجه

سام‌نامه کوچک منظومه ناشناخته‌ای است درباره پهلوانی‌های سام با شداد و دیوان مازندران. اگرچه در متن منظومه اشاره مستقیمی به زمان سرایش آن نشده است، ولی با توجه به قراین متنی، به احتمال ضعیف در نیمه دوم قرن نهم و یا به احتمال قوی از قرن دهم به بعد و مقارن با حکومت صفویان سروده شده است. ساختار این منظومه با سام‌نامه بزرگ کاملاً تفاوت دارد و حتی از نظر اسامی قهرمانان نیز دو منظومه با هم اختلافات بسیاری دارند. برخلاف سام‌نامه بزرگ، بخشی بزرگی از روایت سام‌نامه کوچک قدمتی چندصدساله دارد و

برگرفته از روایات کهن و اصیل است و در واقع تفصیل روایتی است که در بهمن‌نامه به اختصار از آن یاد شده است. نکته درخور توجه این‌که سراینده سام‌نامه کوچک نیز، مانند گوینده سام‌نامه بزرگ، از سرقت و انتحال متون ادبی پیش از خود به دور نبوده و در منظومه خود ابیات متعددی از خاوران‌نامه را بدون ذکر گوینده آن، با اندکی تغییر، آورده است.

منابع

- آیدنلو، سجّاد (۱۳۹۲). «بررسی تصحیح جدید سام‌نامه». کتاب ماه ادبیات، ش ۸۰ (پیاپی: ۱۹۴): ۵۷-۶۵.
- (۱۳۹۶). «سه نکته از دستور تاریخی در شاهنامه و متون پهلوانی». دستور، ش ۱۰: ۴۷-۶۴.
- ابن حسام خوسفی، محمد بن حسام‌الدین (۱۳۶۶). دیوان. تصحیح احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک. مشهد: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان.
- (۱۳۷۷). خاوران‌نامه ← مرادی، حمیدالله.
- (۱۳۸۲). تازیان‌نامه پارسی. تصحیح حمیدالله مرادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- احمدی بیرجندی، احمد و محمدتقی سالک (۱۳۶۶). ← ابن حسام خوسفی.
- اته، هرمان (۱۳۵۶) [= ۲۵۳۶]. تاریخ ادبیات فارسی. ترجمه صادق رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اوحدی اصفهانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹). عرفات العاشقین. تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد. تهران: میراث مکتوب.
- ایران‌شاه بن ابی‌الخیر (۱۳۷۰). بهمن‌نامه. تصحیح رحیم عقیقی. تهران: علمی و فرهنگی.
- بانوگشسپ‌نامه (۱۳۸۲). تصحیح روح‌انگیز کراچی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تهمتن‌نامه (۱۳۹۸). تصحیح رضا غفوری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۲). «گردشی در گرشاسپ‌نامه». ایران‌نامه، ش ۳: ۳۸۸-۴۲۳.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۹۵ الف). آیا فردوسی محمود غزنوی را هجو گفت؟ [هجونامه منسوب به فردوسی: بررسی تحلیلی، تصحیح انتقادی و شرح بیت‌ها]. تهران: پردیس دانش.

- _____ (۱۳۹۵ب). «سرقت ادبی سه منظومه پهلوانی در قرن دهم». پژوهش‌های ایران‌شناسی، س ۶، ش ۱: ۵۵-۶۸.
- رزم‌نامه گرشاسپ (بی‌تا). دست‌نویس گرشاسپ‌نامه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۴۱۲۸.
- رضایی، احترام (۱۳۸۸). ساقی‌نامه در شعر فارسی. تهران: امیرکبیر.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان. تهران: سخن.
- ریپکا، یان (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران. ترجمه ابوالقاسم سرّی. تهران: سخن.
- زرّین‌قبا‌نامه (۱۳۹۳). تصحیح سجّاد آیدنلو. تهران: سخن.
- سام‌نامه (۱۳۹۲). تصحیح وحید رویانی. تهران: میراث مکتوب.
- سام‌نامه کوچک (بی‌تا) دست‌نویس شاهنامه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، به شماره ۵۱۷۴.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۹). «سام، نمونه‌ای از یلان سترگ»، در: نخلبند شعرا، مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی. تدوین و ویرایش احمد امیری خراسانی. کرمان، مرکز کرمان‌شناسی: ۶۸۷-۶۹۲.
- شجاع کیهانی، جعفر (۱۳۸۸). «ساقی‌نامه»، در: دانش‌نامه زبان و ادبیات فارسی. ج ۳. تهران، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی: ۵۶۰-۵۶۴.
- _____ (۱۳۸۵). «بازشناسی بقایای افسانه گرشاسپ در منظومه‌های حماسی ایران»، در: سایه‌های شکارشده. تهران. طهوری: ۲۵۰-۲۸۶.
- شبرنگ‌نامه (۱۳۹۵). به کوشش ابوالفضل خطیبی و گابریله وان دن برگ. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۴). حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۴). تاریخ ادبیات در ایران. جلد چهارم، تهران: فردوس.
- طومار شاهنامه فردوسی (۱۳۸۱). به کوشش احمد هاشمی و سیّد مصطفی سعیدی. تهران: خوش‌نگار.
- طومار نقالی سام‌نامه (۱۳۸۰). به کوشش حسین حسینی. تهران: نمایش.
- طومار نقالی شاهنامه (۱۳۹۱). تصحیح سجّاد آیدنلو. تهران: به‌نگار.
- عابدی، محمود (۱۳۸۸). «سام‌نامه»، در: دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۳. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۵۶۹-۵۷۲.

- غفوری، رضا (۱۴۰۰). «سندی نویافته درباره سراینده سام‌نامه». شعرپژوهی. دوره ۱۳، ش ۱ (پیاپی: ۴۷): ۲۸۷-۲۹۸.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق (جلد ششم: تصحیح محمود امیدسالار، جلد هفتم: تصحیح ابوالفضل خطیبی). تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- مختاری (۱۳۹۷). شهریارنامه. تصحیح رضا غفوری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مرادی، حمیدالله (۱۳۷۷). «تصحیح خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، به راهنمایی محمد مهدی ناصح.
- مرزبان فارسی، رفیع‌الدین (۱۳۹۹). فرامرزنامه کوچک. تصحیح ابوالفضل خطیبی و رضا غفوری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- هفت‌لشکر (۱۳۷۷). تصحیح مهران افشاری و مهدی مداینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Bartholomae, Christian (1904). *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg.